



دکتر علی کریمی

پژوهشگر و تحلیلگر سیاسی
همکار در اندیشکده مطالعات آمریکا

ایده‌ها

توالی بحران‌ها

روایت بحران کرونا و بحران افول نظام سیاسی آمریکا

ویروس کرونا سیستم زندگی جمعی بشر را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، در معرض آزمون جدی قرار داده است. این ویروس، سنگ محکی برای تشخیص ادعا از واقعیت در همه ابعاد یاد شده است. در این راستا، کشورهای مختلف تا حد توان توانستند از شهروندان خود محافظت کنند اما مسئله در مورد کشورهایی که قبل از آشکار شدن این اپیدمی، حداقل در شعار و تبلیغات رسانه‌ای، خود را برتر و بالاتر می‌دانستند (مانند آمریکا) به یک تراژدی مضحک تبدیل شد. به نظر دولتمردان و نظام سیاسی این کشور، مانند بازیکنان فوتبالی

که در شرایط بارندگی و زمین گل‌آلود تمرین نکرده باشند، در محاسبات خود بحرانی از نوع کرونا را به حساب نیاورده بودند. حالتی که بسیار با فلسفه سیاسی و نظام مملکت‌داری خود غرب نیز بیگانه است که سیاست را ارباب علوم و به سرانسان تشبیه کرده‌اند. گرایش‌های فکری و سیاسی ایالات متحده آمریکا در طول این ۴۰ سال، نشان می‌دهد که ایالات متحده تقریباً برای بیماری همه‌گیر COVID-19 آمادگی نداشته است. در حالی که یک دولت دموکراتیک می‌توانست با رهبری بهتر و ارزیابی واقعی‌تر نسبت به دولت ترامپ، واکنش بهتری داشته باشد.

از سال ۱۹۸۰ به بعد، هر بخش از اقتصاد ایالات متحده، به تدریج توسط تعداد کمتری از شرکت‌های بزرگ‌تر تصاحب شده و تأثیر زیادی بر زندگی مردم آمریکا گذاشته است؛ به این صورت که فرصت‌های کمتری برای مشاغل کوچک فراهم شد، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و خدمات عمومی کاهش یافت، دستمزدها کاهش یافته یا راکد شد، اجاره‌ها افزایش یافت، آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی خصوصی‌سازی شد، تخریب جوامع محلی و فساد سیستماتیک سیاست نیز بیشتر شد. تصمیماتی که بر کل زندگی ما تأثیر می‌گذارد، اکنون در مرحله اول، به مناقصه گذاشته می‌شود یا به نفع بانک‌ها، داروسازی‌ها، فناوری‌ها، توسعه‌دهندگان بزرگ،

بخش نظامی - صنعتی و یک درصد از ثروتمندان آمریکایی‌ها اتخاذ می‌شوند. مسیرهایی که از طریق آن، مقامات ارشد میان ارتش، شرکت‌های لابی‌کننده، کنگره و مجلس قانون‌گذاری رفت‌وآمد می‌کنند، در هر بخش از اقتصاد، دو برابر شده است.

تکبرسیاسی

سؤال اینجا است که چرا سیستم سیاسی ایالات متحده آن‌چنان‌که باید نتوانسته در مقابله با این بیماری همانند چین، کره جنوبی، آلمان یا سایر کشورها مؤثر عمل کند؟ فقدان یک سیستم بهداشت ملی با بودجه عمومی، اولین ایراد اساسی است؛ اما ناتوانی مداوم این کشور در راه‌اندازی این سیستم، خود نشانه جنبه‌های ناسازگار جامعه آمریکا بوده، از جمله فساد سیستم سیاسی این کشور در نتیجه منافع تجاری و طبقاتی قدرتمند و استثناء‌گرایی آمریکایی که این کشور را نسبت به آنچه می‌تواند از کشورهای دیگر بیاموزد، کور کرده است. تعداد کمی از آمریکایی‌ها، این اقتصاد دستوری فاسد قرن بیست و یکم را به عنوان سیستمی انتخاب می‌کنند تا در آن زندگی کنند. هر آمریکایی‌الگویی با هر نوع ترکیبی از سرمایه‌داری و سوسیالیسم را برای اقتصاد کشور خود مناسب‌تر می‌بیند. سیاستمداران آمریکایی، در صورتی‌که صادقانه به رأی دهندگان

خود اعلام کنند، این سیستمی است که به آن اعتقاد داشته و قصد ارتقای آن را دارند، در انتخابات پیروز نخواهند شد.

سلطه نظامیان بر سیستم سیاسی

همچنین، اشغال نظامی اندیشه آمریکایی، باعث شده است تا مغز آمریکایی‌ها با مفاهیمی کاملاً نظامی مانند دفاع و امنیت، شستشوداده شود و اولویت هزینه‌های فدرال را به نفع جنگ و نظامی‌گری، به قیمت تمام نیازهای مهم دیگر این کشور، از جمله سلامت منحرف کنند. ۶ تریلیون دلار یا بیشتر از این مقدار، از خزانه آمریکا هدر رفت؛ نبرد ایالات متحده علیه تروریسم شکست خورد اما تروریسم نه. این امر، تنها به دور بی‌پایان خشونت و آشوب در سراسر جهان دامن زد. ماشین جنگی ایالات متحده، کشورهای زیادی را نابود کرده است؛ افغانستان، عراق، سومالی، لیبی، سوریه و یمن که هیچ‌گاه نیز هیچ‌کدام از آن‌ها را بازسازی نکرده و صلح را هم برقرار ننموده است. در همین حال، روسیه و چین با بخش کوچکی از هزینه‌های خود، دفاعی مؤثر در برابر ماشین جنگی منسوخ آمریکا ایجاد کرده‌اند. از آنجایی‌که کشورهای جهان با خطر مشترک کووید ۱۹ روبرو هستند، شاید بدبینانه‌ترین واکنش مربوط به تصمیم دولت آمریکا برای اعمال تحریم‌های وحشیانه تر علیه ایران باشد، آن‌هم یکی از کشورهای

که بیشترین ضربه را از سیاست‌های آمریکایی دیده و در حال حاضر، از دارو و منابع دیگر در نتیجه تحریم‌های ایالات متحده محروم شده است. دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوارش، خواستار آتش‌بس فوری جنگ‌ها در طول این بحران و لغو تحریم‌های مرگبار ایالات متحده بر همه کشورها در سراسر جهان شد که شامل ایران، کره شمالی، سودان، سوریه، ونزوئلا، زیمبابوه و همچنین، کوبا بوده که در مبارزه با این بیماری همه‌گیر، شجاعانه تلاش می‌کند، از جمله نجات مسافران یک کشتی کروز آلوده انگلیسی که از ورود به آمریکا و سایر کشورهای منع شدند و همچنین، اعزام گروه‌های پزشکی به ایتالیا و دیگر کشورهای آلوده اطراف جهان. آمریکا با انحراف گسترده منابع ملی به سمت بخش نظامی - صنعتی کشور، از منابع برای مقابله با مشکلاتی که رهبران ما نمی‌توانند با اسلحه و جنگ حل کنند، محروم می‌شود. بسته مخارج دفاعی، حداکثر دوسوم هزینه‌های اختیاری فدرال را شامل می‌شود. حتی اکنون، کمک مالی به بوئینگ، به عنوان دومین سازنده تسلیحات آمریکا برای آقای ترامپ و بسیاری در کنگره، مهم‌تر از کمک به خانواده‌های آمریکایی است تا از این بحران عبور کنند. در اواخر جنگ سرد در سال ۱۹۸۹، مقامات ارشد با اطمینان به کمیته بودجه سنای آمریکا گفتند

که بودجه نظامی ایالات متحده، می‌تواند در طی ده سال آینده ۵۰ درصد کاهش یابد. رئیس کمیته جیم ساسر، این لحظه را طلوع اولویت اقتصاد داخلی عنوان کرد. هرچند که تا سال ۲۰۰۰، تأثیر بخش نظامی - صنعتی، به تنها ۲۲ درصد کاهش در هزینه‌های نظامی از سال ۱۹۹۰ (پس از تعدیل تورم) منجر شد.

دموکراسی یعنی تفرقه بینداز و حکومت کن!

شهروندان آمریکایی قربانی یک استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن»، شده‌اند که توسط سیاست‌کنترلی افراد ثروتمند، قدرتمند و همچنین، رسانه‌ها به همراه بخش‌های دیگر از اقتصاد این کشور فرماندهی می‌شود. ترامپ، بایدن و اعضای کنگره، تنها آخرین چهره‌هایی هستند که با یکدیگر مخالفت، مشاجره و بحث می‌کنند. دقیقاً زمان انتشار کووید ۱۹، اعضای حزب دموکرات پیرامون بایدن به اجماع نظر رسیدند. یک ماه پیش، به نظرمی‌رسید که سال ۲۰۲۰، ممکن است سالی باشد که سرانجام، آمریکایی‌ها از شرسنعت توخالی بیمه درمانی ایالات متحده - که در راستای منافع افرادی خاص است - خلاص شوند و به سیستم بهداشت ملی با بودجه عمومی دست یابند؛ اما به نظرمی‌رسد که دموکرات‌ها بیشتر برای جلوگیری از یک شکست تحقیرآمیز دیگر و

حضور چهارساله و دوباره ترامپ، وارد عرصه شده‌اند.

کرونا و حمایت سیاسی

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مردم آمریکا (۵۲ درصد)، از ترامپ برای حل بحران کرونا حمایت می‌کنند، درحالی‌که سطح اطمینان عمومی او ۴۷ درصد است - که بالاترین میزان از ابتدای دوره ریاست جمهوری ترامپ است - این وحدت، دو نکته قابل ذکر دارد: ابتدا این‌که نظرسنجی‌ها می‌تواند، نشان از پشتیبانی ناشی از تعصب باشد که در تاریخ ریاست جمهوری آمریکا، بسیار نادر است. دوم، پیش‌بینی‌ها درباره سقوط ترامپ (حتی استعفا) توسط بسیاری از مفسران رازد می‌کنند. جو بایدن نامزد دموکرات‌ها، همچنان پیش‌تاز انتخابات نوامبر است، اما برخی تحلیلگران سیاسی، خاطر نشان می‌کنند که برتری وی ضعیف‌تر از زمان هیلاری کلینتون است. علاوه بر این، توجه رسانه‌ها به بحران کرونا و ویروس، مبارزات انتخاباتی دموکرات‌ها را کاملاً تحت الشعاع قرار داده است و به نظرمی‌رسد که جو بایدن نیز، از این قاعده مستثنا نیست و این امر، موجب تقویت بیشتر افکار عمومی پیرامون شخصیت ترامپ می‌شود. فراتر از بحث شخصیت‌های سیاسی، این‌که آیا این بحران می‌تواند موجب بازگشت رهبران سنت ریست و

شکست پوپولیست‌ها باشد نیز، قابل بحث است؛ که این ایده شادی حمید، از مؤسسه بروکینگز است. دموکرات‌ها قبل از بحران، افرادی مانند بایدن را که به بازگشت به وضعیت عادی امیدوار بودند، در مقابل پوپولیست‌های چپ‌گرا مانند سنדרز یا وارن را که خواستار بحث و گفتگو گسترده‌تر و به دست آوردن آراء رأی‌دهندگان ترامپ بودند، به سمت رقابت کشاند و این امیدواری را مطرح کرده بودند که ترامپ، تنها یک پراترگزگمراه‌کننده است. این دسته از احتمالات را محدود کرد و موجب مطرح شدن راه‌حل‌های فنی به جای رؤیاهای ایدئولوژیک شد.

منابع

1. <https://www.opendemocracy.net/en/oureconomy/why-us-so-exceptionally-vulnerable-covid-19/>
2. <https://www.institutmontaigne.org/en/blog/covid-19-geopolitical-game-changer>
3. <https://www.nytimes.com/2020/04/01/opinion/coronavirus-politics-election.html>
4. <https://modern diplomacy.eu/2020/03/29/covid-19-why-the-us-is-hit-so-hard/>
5. <https://www.brookings.edu/blog/fixgov/2020/03/30/polling-shows-americans-see-covid-19-as-a-crisis-dont-think-u-s-is-overreacting/>
6. <https://edition.cnn.com/2020/03/26/opinions/us-most-confirmed-cases-sachs/index.html>
7. https://www.economist.com/united-states/2020/04/02/covid-19-and-americas-political-system?utm_campaign=coronavirus-special-edition&utm_medium=newsletter&utm_source=salesforce-marketing-cloud&utm_term=2020-04-04&utm_content=article-link-3